

اگر شهدا هزارسال هم زنده بودند، مثل همین زمان که حقیقتاً زنده‌اند نورافشانی می‌کردند.

شماره پرسش: ۲۳۸۰۷

تاریخ ارسال پرسش: ۱۳۹۸/۱/۱۲ ۰۱:۴۷:۳۵

متن پرسش

با سلام: در جلسه تفسیر اسفند ۹۷ فرمودید که در انقلاب اصلاً ریزش نداریم و برخی از افراد که به عنوان ریزش از اونها نام می‌بریم در حقیقت از همون اول هم با انقلاب نبودند و چون با یک روحیه یهودی‌گری به سراغ انقلاب آمدند پس از مدتی بریدند و از اون جدا شدن و حتی از اینکه انقلاب کردند نیز ابراز پشیمانی کردند. شما برای نمونه قطب زاده را مثال زدید هر چند افراد ملموس تری برای نسل ما وجود دارد. استاد بزرگوار، بنده هرگاه از کنار قبر امثال آقای هاشمی رفسنجانی و طاهری (امام جمعه اصفهان) و منتظری می‌گذرم نمی‌دانم باید چه کنم! وقتی به رنجهایی که در راه انقلاب متحمل شدند نگاه می‌کنم، نمی‌توانم بی‌توجه از کنار قبرشان عبور کنم اما وقتی به اشتباهات بزرگ آنها و عاقبت کارشان می‌نگرم، دیگر حاضر نیستم لحظه‌ای هم در کنار قبرشان توقف کنم. شما بفرمایید با اینها باید چه کنیم؟ آیا اینها مصادیق همان «رجوع به انقلاب با روحیه یهودی‌گری» هستند که از همان ابتدا هم با انقلاب نبودند؟ یا قضیه چیز دیگری است و واقعا ما در راه حق، ریزش هم داریم؟ این شهدایی که به قول حضرت امام خمینی، مزارشان تا قیامت دارالشفای دلسوختگان خواهد بود، با این مقامی که شهدا پیدا کرده‌اند اما چه تضمینی هست که اگر زنده مانده بودند اکنون جزء پشیمانان و بریدگان از انقلاب قرار نمی‌گرفتند؟ با تشکر

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: در اصطلاح آقایان در مورد افرادی که نام بردید می‌فرمایند «علیهم ما علیهم» بر آنهاست آنچه بر آنهاست، آنها را به خودشان وامی‌گذاریم. ولی شهداء مجتبی و برگزیدگانی‌اند که خداوند آنها را شایسته دید تا راهی گشوده برای آیندگان باشند، اگر هزارسال هم زنده بودند، مثل همین زمان که حقیقتاً زنده‌اند نورافشانی می‌کردند. مگر از دستگیری آنها و حضورشان برای زواری راهیان نور غافل‌اید که چه غوغایی به پا می‌کنند؟! فقدان عشق، تنها از طریق شهدای زنده و شهدای در مزارشان دفن‌شده، امکان بازیابی پیدا می‌کنند. موفق باشید